

خبرها

سابقه هزارساله دانشنامه‌نویسی در ایران

خبرگزاری میراث فرهنگی :
کارمان فانی، حسن انوشه، سیدصادق سجادی و رضا رضازاده‌لنگرودی با حضور در خبرگزاری میراث فرهنگی، دانشنامه‌نویسی و مشکلات موجود در تالیف آن را مورد بحث و بررسی قرار دادند.
میزگرد «دانشنامه‌نویسی در ایران و بررسی مشکلات آن» روز سه‌شنبه ۲۰ تیرماه در محل خبرگزاری میراث فرهنگی برگزار شد. در این نشست، کارمان فانی مشاور علمی کتابخانه ملی عضو شورای واژه‌گزینی و عضو هیات علمی هم‌اندیشی‌ها، حسن انوشه سرپرست دانشنامه ادب فارسی، سید صادق سجادی مدیر بخش تاریخ دایره‌المعارف بزرگ اسلامی و دانشنامه ایران و معاون پژوهشی مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، رضا رضازاده‌لنگرودی مدیر گروه تاریخ دانشنامه جهان اسلام و بنیاد دایره‌المعارف اسلامی حضور یافتند و درباره پیشینه دانشنامه‌نویسی، نخستین دانشنامه‌ها و چگونگی ورود علم دانشنامه‌نویسی به ایران مطالبی را عنوان کردند و با اشاره به اتفاقات میان دانشنامه‌نویسی قدیم و جدید، تاریخی را درباره دانشنامه امروز در ایران ارائه دادند.
مهمانان این نشست با انتقاد از وضعیت سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های متوالیان در این حوزه نکاتی را متذکر شده و با تأکید بر آسیب‌های وارده، کاستی‌ها و موانع را بررسی کرده و دیدگاه‌های خود را پیرامون رفع معضلات و مشکلات موجود در این زمینه بیان داشتند.
حسن انوشه سرپرست دانشنامه ادب فارسی درباره پیشینه دانشنامه‌نویسی در ایران گفت: «دانشنامه‌نویسی در ایران سابقه هزارساله دارد البته باید گفت دانشنامه‌های قدیم یا دانشنامه‌های امروز به دلایلی از همدیگر متمایز می‌شوند چنان‌که در قدیم دانشنامه‌ها، یک کار ذوقی و خلاقه به‌شمار می‌آمدند و به‌صورت فردی تالیف می‌شدند، اغلب موضوعی بودند و نام‌گذاری آنها کاملاً با نامگذاری دانشنامه‌های امروز متفاوت بود.» به گفته او، سابقه کار دانشنامه‌نویسی در فرهنگ ایرانیان به دوره پیش از اسلام مربوط می‌شود اما کار دانشنامه‌نویسی به معنای امروز که نویسندگان از روی اسناد و مدارک دانشنامه بنویسند و شیوه تدوین دانشنامه آنها به‌صورت الفبایی و کاملاً نوین باشد، مربوط به قرون اخیر یعنی دوران ناصرالدین شاه قاجار تا امروز است.
کارمان فانی مشاور علمی کتابخانه ملی، عضو شورای واژه‌گزینی و عضو هیات علمی هم‌اندیشی‌ها در تکمیل سخنان انوشه یادآور شد: «از زمانی که بشر کتاب را اختراع و مجموعه‌ای از دانش‌ها و اطلاعات را ثبت کرد، احساس کرد که باید مجموعه پراکنده مطالب را به نحوی تدوین و گردآوری کند تا بدین ترتیب بتواند نظم و سامانی به آنها بدهد، به یک معنی به مفهوم دایره‌المعارف یا دانشنامه رسید.»
مشاور علمی کتابخانه ملی با اعلام این مطلب که دانشنامه به مفهوم جدید در دوره یونانی‌ها پیدا شد، از پیدایش این نوع از دانشنامه در چین نیز خبر داد و وجود کتاب‌های مفصل در این کشور که به‌طور مفصل مجموعه‌ای از دانستی‌های آن زمان بوده‌است را بدلیلی بر ادعای خود دانست. او دانشنامه را به مفهوم امروزی، کتابی دانست که مطالب آن به نحوی تنظیم شده باشد که خواننده و یا مراجعه‌کننده به سرعت و سهولت بتواند به مطلب و یا سؤال مورد نظر خود دست یابد.
فانی گفت: «سرعت و سهولت در دستیابی، نحوه‌تنظیم و تدوین خاص مطالب به یک معنی از ویژگی‌های دانشنامه‌نویسی جدید است.» سپس سیدصادق سجادی، مدیر گروه تاریخ دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، دانشنامه ایران و معاون پژوهشی مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی به انواع دانشنامه‌نگاری اشاره کرد و درباره هر یک از آنها توضیحاتی ارائه داد.
او در این باره گفت: «برخی از دانشنامه‌های رجال دارای ترتیب است اما ترتیب در کتاب‌هایی مثل تفاسی القون تابع دیدگاه نویسنده در دوره طبقه‌بندی علوم است، این را می‌توان یک نوع ترتیب منطقی برحسب نظر نویسنده دانست و این به نوبه خود یک نوع از دانشنامه‌نگاری است که هیچ‌عنوان اختصاصی ندارد. به عقیده من «قانون ابوعلی سینا» یک دانشنامه است متنها دانشنامه طب است. «الحاوی رازی» نیز یک دانشنامه طب است اگرچه چن این دانشنامه‌ها هیچ‌کدام عنوان دانشنامه ندارند. بنابراین این منظر هم می‌توان به دانشنامه‌نویسی در دنیای اسلام نگریست.»
در ادامه رضا رضازاده‌لنگرودی مدیر گروه تاریخ دانشنامه جهان اسلام بنیاد دایره‌المعارف اسلامی مطالبی را درباره دانشنامه‌نویسی در ایران عنوان کرد و توضیحاتی را دربارۀ چگونگی ویرایش دانشنامه‌ها ارائه داد. لنگرودی با ابراز خوشحالی از تأثیر مثبتی که کار دایره‌المعارف‌نویسی بر محققان کشور ما داشته است، خاطر نشان کرد: «خوشبختانه دایره‌المعارف‌نویسی در ایران باعث شد که محققان ما، صداقت اخلاقی و وجدان اخلاقی در کار خود پیدا کنند زیرا دایره‌المعارف‌نویسی به مقاله‌نویسان حکم می‌کند که اگر نمی‌توانند در ارائه مطلب خود به منابعی استناد کنند، باید آن مطلب را حذف کنند.»
لنگرودی دایره‌المعارف به شکل امروزی را دارای ویژگی‌های مربوط به خود دانست و ویرایش را که می‌تواند شکل خاصی از نظر ساختاری به دایره‌المعارف بدهد، یکی از این ویژگی‌ها دانست و به تفصیل درباره آن پرداخت.

بررسی مختصر سیاق تاریخ نیسابور

مهر: طی نشست با حضور صاحب‌نظران در مرکز پژوهشی میراث مکتوب کتاب «المختصر من کتاب السیاق التاريخ نیسابور» بررسی می‌شود.
چهل و چهارمین نشست علمی مرکز پژوهشی میراث مکتوب به نقد و بررسی کتاب «المختصر من کتاب السیاق التاريخ نیسابور» اثر الامام الحافظ ابوالحسن الفارسی و با تحقیق محمد کاظم المجدودی اختصاص دارد.
علی عرفی، علا مروتشی، جوا جهانبخش، علی بهرامیان و محمد کاظم رحمتی از سخنرانان این نشست هستند.
این نشست در روز دوشنبه ۲۶ تیرماه ساعت ۱۷ در خیابان انقلاب، بین اوریحان و دانشگاه، ساختمان فروزین، طبقه دوم، واحد ۹ مرکز پژوهشی میراث مکتوب برگزار می‌شود.
السیاق التاريخ نیسابور تالیف الامام الحافظ ابوالحسن عبدالغافرین اسماعیل الفارسی النیسابوری کتابی معتبر و حجیم در تاریخ سرزمین نیشابور است. مؤلف این اثر را به پیروی از تاریخ نیسابور اثر حاکم ابوبعلله‌الدین محمد بنده البیع النیسابوری، درگذشته به سال ۴۰۵ هجری و به‌منظور ادامه ثبت شرح حال مردان نامی و وقایع تاریخی، اجتماعی و اوضاع علمی و ادبی پس از مرگ حاکم نیسابوری فراهم آورد و در سال ۵۱۰ هجری تصنیف آن را به انجام رسانیده است.

گام دیگری که برای به حداقل رساندن یادداشت برداری دانشجو و سوق دادن او به مشارکت فعال‌تر در کلاس برداشته می‌شود استفاده از دستگاه‌هایی مانند کامپیوتر یا اوربد است که امکان نمایش صفحات را روی پرده و یا دیوار فراهم می‌کند. استاد معمولاً نکات اصلی بحث، سرفصل‌ها و یا نقل‌قول‌ها را یادداشت‌برداری پیدا نکند و سرانجام آنکه با پیشرفت تکنولوژی ارتباطات شبکه‌ای بسیاری از دانشگاه‌ها فضاهای مجازی را به اساتید هر درس اختصاص می‌دهند و آنها جزوات درسی، فهرست‌های مطالعاتی و نکات خود را به صورت آن‌لاین روی آن قرار می‌دهند. دانشجویان هر درس نیز با وارد کردن کلمات عبور مربوطه به این محتوا دسترسی پیدا می‌کنند و عملاً تمام جزوات و نکات استاد را به صورت آن‌لاین خواهند داشت و این نیاز به نوشتن در کلاس که مشکلی دیرینه برای آموزش و پرورش است را تا حد زیادی متفی می‌کند.

اما مهم‌ترین بخش آموزش به‌خصوص آموزش فلسفه مشارکت دانشجویان در مباحث است. دانشجو باید طی دوران تحصیلی کارشناسی دوره طولانی کارآموزی خود را طی کند و طی آن پیاموزد که چگونگی به سخن فرد دیگری گوش کند، چگونه استدلال او را تحلیل کند، چگونه از نظر خود دفاع کند. در اغلب دانشگاه‌های بریتانیا برای رفع این منظور هر واحد درسی شامل دو بخش است. بخش اول همان کلاس متداول است که استاد در آن مباحث را توضیح می‌دهد و اگر دانشجو سؤال داشته باشد، می‌پرسد. در این کلاس‌ها عموماً به دلیل فشرده بودن مباحث و حجم بالای اطلاعاتی که در یک جلسه منتقل می‌شود کمتر فرصت ابراز عقیده به دانشجویان می‌رسد. در بخش دوم کلاس‌ها اما دانشجویان متکلمان اصلی هستند.

معادل با زمان هر کلاس (مثلاً یک ساعت در هفته) دانشجویان در کلاس دیگری که عنوان «بحث» (Tutorial) را می‌توان بر آن گذاشت شرکت می‌کنند. در اینجا اسناد یا دانشجو دکتراکی که جلسه را می‌گرداند صرفاً موضوعی از مباحث درس را طرح کرده و هدایت بحث دانشجویان را بر عهده می‌گیرد. هدف او آموزش مستقیم نیست. بلکه هدف تقویت نحوه استدلال دانشجویان است. در بسیاری موارد پیش از جلسات تالیف‌های از متون دست‌اول فلسفی برای مطالعه معرفی و توزیع می‌شود و سپس در جلسات بحث، گفت‌وگو حول آن متون پیش می‌رود. در مواردی دیگر مقالات کوتاهی که دانشجویان نگاشته‌اند محل و محور بحث قرار می‌گیرد.

جلسات بحث هر کلاس معمولاً بیش از پانزده دانشجویان ندارد، چرا که با اضافه شدن افراد فرصت صحبت کردن آنها کم می‌شود. حال آنکه ممکن است در جلسات اصلی درس عده‌ای بالغ بر صد نفر نیز در کلاس اسناد حاضر شوند. جلسات بحث فرصت معتنی نیز برای دانشجویان دکترا است تا بتوانند با نحوه تدریس، هدایت بحث و هدایت کلاس آشنا شوند. ضمن آنکه از امتداد متداول تخصصی کمک‌هزینه برای استادی‌ها محسوب می‌شود. در بعضی موارد جلسات بحث به کمک تکنولوژی ارتباطاتی می‌تواند از راه دور و به کمک کامپیوتر نیز انجام شود. آن‌گاه در ساعات یا روزهای بعد دیگران در مورد آن اظهارنظر می‌کنند. اما این شیوه محاسن جلسات حضوری بحث از جمله گوش دادن به استدلال طرف مقابل و ارائه نظر خود در یک چارچوب زمانی خاص را ندارد.

در آزمون هر درس علاوه بر امتحان کتبی نوشتن حداقل یک مقاله ضرورت دارد. در این مقالات که حجم معین و مشخصی دارد دانشجو باید از تکرار بحث‌های کلاس پرهیز کند و با مطالعه منابع معرفی شده نظر خود را هر چند کوتاه پرورش دهد. هدف اصلی و نمره نهایی برای خلاقیت و تفکر است. تکرار گفته دیگران هر اندازه هم که معقول باشد به فیلسوف شدن نمی‌انجامد ضمن آنکه نوشتن مقاله، شیوه صحیح ارجاع به منابع، نقل قول، ویراستاری و... را نیز آموزش می‌دهد.

دقت بخواند، برای تکت‌کتب آنها نکات مثبت و منفی را یادداشت کند و آنها را به دانشجو بازگرداند. هر مقاله کمکی است برای نوشتن مقالات بعد. اگر باشد که استاد همه را جمع کند و به سطل زباله اتاقش تحویل دهد جز اتلاف کاغذ و وقت حاصل دیگری به دست نیامده است. مقالات درسی دو شکل دارند.

برخی در نمره پایانی سهم دارند و برخی صرفاً نوشته می‌شوند تا اسناد آنها را تصحیح کند که اگر نوشته‌ای خود به مقاله‌نویسی دانشجو کمک کند. این گونه مقالات گریه در نمره اثری ندارند ولی از لحاظ مقررات آموزشی نوشتن آنها برای دانشجو الزامی است.

یکی از جالب‌ترین وجوه آموزش فلسفه در بریتانیا برای نگازنده آشنایی او با رشته‌های تلفیقی در سطح کارشناسی بود. اصولاً نظام‌های آموزشی در کشورهای پیشرفته قید و بندها و مرزبندی‌های سخت دیار ما را ندارند و تلقیق رشته‌ها و مطالعات میان‌رشته‌ای در آنها بسیار راحت‌تر است. در مورد فلسفه به عنوان دانشی پایه تلقیق این رشته با گستره وسیعی از سایر رشته‌ها وجود دارد. برای مثال دانشگاه دورهام رشته‌های فلسفه، تاریخ و الهیات می‌کند: فلسفه و سیاست/ فلسفه و روانشناسی/ فلسفه و الهیات/ ادبیات انگلیسی و فلسفه/ فلسفه، سیاست و اقتصاد/ فلسفه و انسان‌شناسی/ فلسفه و باستان‌شناسی/ فلسفه و زیست‌شناسی/ فلسفه و شیمی/ فلسفه و علوم کامپیوتر/ فلسفه و علوم زمین/ فلسفه و اقتصاد/ فلسفه و جغرافی/ فلسفه و ریاضی.

به عنوان نمونه دانشجویی که فلسفه و شیمی را برمی‌گزیند واحدهای درسی‌اش را میان این دو رشته تقسیم می‌کند. او دروس مقدماتی و پایه را هر رشته‌ای را می‌خواند و سپس آن واحدهایی را انتخاب می‌کند که در حوزه تداخل این دو رشته قرار دارند مانند فلسفه علم. برای فارغ‌التحصیل کارشناسی در چنین رشته‌ای امکان تحصیل در دو رشته فلسفی و شیمی در سطح کارشناسی ارشد و دکترا وجود دارد.

بسیاری از مطالعات میان‌رشته‌ای و فلسفه علوم خاص (مانند فلسفه شیمی) از چنین برنامه‌هایی تغذیه می‌کنند. سرانجام آنکه در این‌جا نیز آزادی و گشودگی در سئوالات پایان سال به چشم می‌خورد. عموماً در پایان سال تعداد پنج تا ده سؤال به دانشجو داده می‌شود و او می‌تواند دو یا سه سؤال را از بخش‌هایی که بهتر فهمیده و در موردشان تحقیق کرده انتخاب کند و پاسخ دهد. سؤال‌ها غالباً باز هستند و کمتر بر حافظه و محفوظات متکی‌اند. پاسخ به هر سؤال در حکم نگارش مقاله‌ای کوتاه است و امتیاز اصلی به استدلال منطقی و نحوه دفاع از یک موضع است و نه موضع خاصی که دانشجو اتخاذ می‌کند. به عنوان نمونه در درس اخلاق کاربوری چنین سئوالاتی پرسیده می‌شود: آیا وظایف ما در قبال غیرانسان‌ها (حیوانات) صرفاً وظایف غیرمستقیم ما در

حسین شیخ‌رضایی



حسین شیخ‌رضایی، مدیر گروه فلسفه، دانشجو، دانشجویان و اساتید فلسفه در کلاس درس فلسفه

قبال سایر انسان‌ها است؟
دکتری به مریض خود دارویی می‌دهد تا درد او را تسکین دهد، اما پیش‌بینی می‌کند که دارو او را خواهد کشد. آیا دکتر برای مرگ بیمار از لحاظ اخلاقی مسئول خواهد بود؟

و یاد در درس تاریخ علم که کمتر جنبه تحلیلی دارد چنین سنوالاتی مطرح می‌شود: چرا عناصر اربعه ارسطویی با تقسیمات زیست‌شناختی او تا پایان قرن ۱۷ میلادی متداول باقی ماند؟ و در درس نظریه ادبیات و جامعه: در مورد گفته سارتر که «کار خواننده معنادار کردن متن است» نظر خود را بیاین کنید. توضیح دهید که طبق نظر به فروید ما نمی‌توانیم به حقیقت عینی دست پیدا کنیم.

دوران دانشگاه–تحصیلات تکمیلی

دوره کارشناسی ارشد فلسفه در بریتانیا، همچون اغلب رشته‌ها، اگر به صورت تمام‌وقت گذرانده شود یک سال و اگر به صورت پاره‌وقت گذرانده شود دو سال به‌درازا می‌انجامد. اصولاً برای پذیرفته شدن در این دوره و یا سایر دوره‌های تحصیلات تکمیلی مانند دیپلم فلسفه، دوره Mphil یا دوره دکترا لزومی به داشتن مدرک کارشناسی در فلسفه نیست. هر داوطلبی با داشتن معدلی خوب در دوران تحصیلی گذشته و با ارائه یک کار مکتوب در یکی از زمینه‌های فلسفه (عموماً در حدود ۵۰۰۰ کلمه) می‌تواند در این دوره پذیرفته شود. به صورت کلی

هدف از طی کردن دوره کارشناسی ارشد را می‌توان در سه مورد بیان کرد: دسته اول داوطلبانی هستند که تصمیم به ادامه تحصیل در سطح دکترا دارند. اینان با شرکت در دوره کارشناسی ارشد کارهای مقدماتی دوره دکتراي خود را انجام می‌دهند (البته شروع مستقیم دوره دکترا پس از اخذ مدرک کارشناسی در بریتانیا ممکن است و بسیاری با احراز شرایط آن از شرکت در دوره کارشناسی ارشد صرف‌نظر می‌کنند). دسته دیگر صرفاً به‌سبب علاقه به هنوز تصمیم به گرفتن دکترا در فلسفه ندارند چرا که اصولاً نمی‌دانند کار دانشگاهی در این رشته در سطوح بالاتر چگونه است. اینان در این دوره با مقدماتی تخصصی فلسفه آشنا می‌شوند. و سرانجام گروه سوم کسانی هستند که اصولاً ادامه تحصیل را مد نظر ندارند بلکه ترجیح می‌دهند پیش از پرداختن به کاری دیگر یک سال دیگر را نیز به تحصیل فلسفه بپردازند. کارشناسی ارشد فلسفه همچون اغلب دیگر رشته‌ها می‌تواند به دو صورت تدریس و تحقیق انجام شود. در شق تدریس استاد به موفقت به گذراندن واحدها و کلاس‌های است. ضمن آنکه نه‌ایات باید پایان‌نامه کوچکی را هم بنگار. در شق تحقیق تمام تأکید بر نگارش یک پایان‌نامه مفصل‌تر است و دانشجو لزومی به شرکت در کلاس ندارد. برای آشنایی بیشتر اجازه دهید که برنامه نوعی کارشناسی ارشد پیوسته در شق تدریس را مرور کنیم. در این‌جا کلاس‌ها به صورت سمینار برگزار می‌شود و عموماً دو نوع سمینار وجود دارد. در نوع اول اداره‌کننده جلسه یکی از اعضای هیات علمی است. او در جلسات اولیه اصول کلی روش تحقیق و این که کدام روش فلسفی مناسب برای پاسخ دادن به کدام سؤال‌های فلسفی است توضیح می‌دهد. این‌اگاه در جلسات بعدی سایر اعضای هیات علمی شرکت می‌کنند و به‌فرد در هدایت تحقیق مستقل و آکادمیک است. محصول کار این دوره حتماً باید حرفی نو در زمینه مورد بحث باشد و دانشجو باید نشان دهد که از نقطه نظری متفاوت به موضوع خود نگریسته است و کارهای پیشین را نقادانه تحلیل کرده. طبیعی است که مطالعه تعداد محدودی منبع و ترجمه آنها و یا خلاصه‌کردن نظرات دیگران در اینجا کارساز نیست. حجم پایان‌نامه دکتراسته به‌دانشگاه‌مختلف است. اما در رشته فلسفه عموماً متوسط هفتاد هزار کلمه متداول است. پس از اتمام پایان‌نامه جلسه دفاعیه با حضور دانشجو و دو استاد متخصص دیگر (یکی از خارج دانشگاه و یکی از داخل دانشگاه) و در غیاب استاد ناظر برگزار می‌شود. دانشجو باید در اینجا به سئوالات اساتید از پایان‌نامه‌اش پاسخ دهد و در صورت لزوم تغییرات مدنظر آنها را پس از جلسه در متن خود اعمال کند. گاه این تغییرات گسترده در خود خواسته می‌شود مثلاً شش ماه یا یک‌سال دیگر را به تکمیل فصولی از کار خود اختصاص دهد.

حسین شیخ‌رضایی

نگاهی به نظام آموزش فلسفه در بریتانیا

چند نکته برای تامل

اکتون نکته‌دهید پس از ترسیم این تصویر عمومی به نکات خاص‌تری در باب تحصیلات تکمیلی فلسفه در بریتانیا اشاره کنیم. اولین نکته سن فارغ‌التحصیلی است. با احتساب سه‌سال برای کارشناسی، یک‌سال برای کارشناسی ارشد و سه‌سال برای دکترا می‌توان دید که یک دانشجوی بریتانیایی در سن ۲۵ سالگی دکتراي خود را گرفته و می‌تواند تحقیق و تدریس را شروع کند. این رقم بسیار پایین‌تر از متوسط سن فارغ‌التحصیلی دکترا در ایران است و این امکان را می‌دهد که نظام آکادمیک یک کشور مدت زمان بیشتری از اساتید خود استفاده کند.

نکته دیگر مربوط به فعالیت‌های دانشجویان تحصیلات تکمیلی است. علاوه بر تحقیق رکن اساسی زندگی آکادمیک شرکت در سمینارها و گروه‌های مطالعاتی در دانشکده‌ها است. عموماً هر هفته دو سمینار تشکیل می‌شود یکی توسط اعضای هیات علمی (چه از داخل و چه از خارج دانشکده) که در آن یک استاد مقاله‌ای را ارائه می‌دهد و سپس حضار به بحث جمعی می‌پردازند. سمینار دیگر توسط دانشجویان تحصیلات تکمیلی ارائه می‌شود و هر هفته یک نفر از آنها مقاله‌ای را در مورد تحقیق (مانند انجمن سطاسی فلسفه در بریتانیا) به برگزاری سمینار در دانشکده‌ها می‌پردازند و گاه انجمن‌های فلسفه که توسط دانشجویان و به‌عنوان مرکزی برای تجمع دوستداران فلسفه و خارج از چارچوب آکادمیک تشکیل شده‌اند با دعوت از اساتید سمینارهایی تشکیل می‌دهند و همه اینها را سمینارها در سایر شهرها و کشورها جدا است. هر دانشجوی ترفیب می‌شود که در سمینارهای علمی در سایر نقاط شرکت کرده و در صورت توانایی مقاله‌ای ارائه کند. معمولاً دانشکده‌ها بخش عمده‌ای از هزینه‌های این گونه سفرها را (حداقل برای یک‌بار در سال) به اعضای هیات علمی و دانشجویان خود می‌پردازند. جلسات دیگری که بخشی از زندگی آکادمیک رانشکیل می‌دهند گروه‌های مطالعاتی است. عموماً چند دانشجوی علاقه‌مند به یک موضوع واحد به‌همراه یکی از اعضای هیات علمی یک گروه مطالعاتی تشکیل داده و هر هفته در باب مقاله و یا کتابی بحث می‌کنند. کتاب‌های تازه تالیف‌افته موضوعات مناسبی برای این جلسات هستند. این گروه‌های مطالعاتی می‌تواند با حضور خود دانشجویان (حتی با حضور دو نفر) و بدون حضور اعضای هیات علمی نیز تشکیل شود.

نکته دیگر مربوط به امکانات تحقیق است که دانشگاه در اختیار دانشجویان می‌گذارد. کتابخانه قلب یک دانشگاه است و نظام‌های نوین کتابداری برای پژوهش حیاتی هستند. کتابخانه‌های باز که محدودیتی برای وارد شدن و برداشتن کتاب در آنها نیست و عموماً تا نیمه‌های شب بسته نمی‌شوند، کتابخانه‌های به روز که هر سال هزاران عنوان کتاب جدید را با مشورت دانشگاه‌ها خریداری می‌کنند و توانایی مقایسه مانند قرض گرفتن کتاب و مجله از سایر کتابخانه‌های عظیم (مانند کتابخانه لندن) را دارند نمونه‌هایی از این دست هستند.

نکته دیگر در باب مجلات است که امروزه به مدد تکنولوژی ارتباطات اکثر آثار به‌صورت آن‌لاین در اختیار کتابخانه‌ها هستند و هر دانشجویی قادر به دسترسی به آنها است. یکی دیگر از ابزارهای حیاتی پژوهش موتورهای جست‌وجوی تخصصی در هر زمینه آکادمیک است. به‌عنوان نمونه در رشته فلسفه موتور Philosopher Index یک موتور جست‌وجوی عظیم اطلاعاتی است که حجم عظیم و روزآمدشده‌ای از مقالات و کتاب‌ها را نمایه می‌کند و به راحتی می‌توان بر حسب نیاز/سال نشر/ناشر/کلید واژه/چکیده/مولف/محل نشر و... در آن جست‌وجو کرد. کتابخانه و سایت آن باید چنین امکاناتی را داشته باشند تا یک دانشگاه بتواند از داخل و خارج کشور دانشجوی دکترا جذب کند.

نکته بعدی مربوط به استفاده از ای‌میل در نظام دانشگاهی است. هر دانشجو دارای یک آدرس شخصی بر روی دامنه دانشگاه است و حجم زیادی از اطلاعات از طریق این ابزار به‌او می‌رسد. عموماً هر روز چند نامه الکترونیکی در داخل و خارج دانشگاه به مورد سمینارهای مختلف در سراسر بریتانیا، کتاب‌های تازه نشریافته، فرصت‌های شغلی و... به‌دست هر کس می‌رسد. ضمن آنکه بسیاری از سئوال‌ها و ارتباطات استاد و دانشجو هم بدون نیاز به ملاقات حضوری و مشکل سنتی پیدا کردن استاد از طریق ای‌میل قابل پیگیری است. اساتدان مسن و بازنشسته در استفاده از تکنولوژی‌های جدید به‌اندازه دانشجویان جوان هستند. به سرعت خود را با تحولات تکنیکی آموزش وفق می‌دهند. یک مطالعه تطبیقی جالب می‌تواند بررسی میزان نفوذ و استفاده اساتید علوم انسانی در ایران از توانایی‌های شبکه‌ای باشد. اصولاً شبکه‌های کامپیوتری دانشگاه‌های پیشرفته حجم عظیم اطلاعاتی که مستقل می‌توانند به‌یازهای خود به‌محتوای متحول خود است.

دوران پس از دانشگاه–فوق دکترا

دوره‌های فوق دکترا را می‌توان هم بخشی از نظام آموزش و تحقیق دانست و هم بخشی از نظام استخدام فارغ‌التحصیلان. عموماً مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی که بودجه مالی در اختیار دارند با توجه به نیازهای موجود در زمینه‌های مختلف پروژه‌های را تعریف می‌کنند آگاه‌برای انجام این پروژه‌ها به‌استخدام کسانی که دارای دکترا در آن زمینه هستند، می‌پردازند. دوره‌های فوق دکترا می‌تواند از شش‌ماه تا چندین سال به طول بکشد. طی این مدت تأثیر قرارداد اولیه محقق به کار، تحقیق، نوشتن مقاله و گاهی تنبیس برای کارفرما می‌پورازد و در ازای آن حقوق دریافت می‌کند. حقوق پرداختی برای این دوره‌ها عموماً هم سطح حقوق مرسوم برای اعضای هیات علمی است.

ویژگی این دوره‌ها آن است که در آنها مراکز بزرگتری جهت تحقیق را معین می‌کنند. حال آنکه در دوره‌های دکترا عموماً خود دانشجویان و بر حسب سلاقی خود به موضوعات می‌پردازند. (البته گاه این مراکز بزرگ دانشجویان دکترا را نیز جذب کرده و با پرداخت شهریه‌های آنها از آنان می‌خواهند در زمینه‌های خاصی تحقیق کنند). به‌عنوان نمونه با گسترده بحث‌های اخلاقی پیرامون شبیه‌سازی، دولت، یک مذهب پیشرفتاتی و یا یک دانشگاه پروژه‌های ارشد را تحقیق در این باب اختصاص می‌دهد. آنگاه در قالب این پروژه گروهی از محققین به‌کار مشغول شده نتیجه کار را به صورت سمینار، کتاب، مقاله، بحث و... ارائه می‌دهند.

■ ■ ■

نظام آموزش فلسفه در بریتانیا بی‌نقص نیست و از مقایسه آن با نظام سایر کشورهایی مانند کانادا و یا آمریکا می‌توان در آن خلل‌هایی نیز یافت. اما مطالعه این نظام می‌تواند به ما کمک کند تا اولاً تصویری واقعی از آموزش فلسفه در ذهن داشته باشیم و از فلسفه چیزی واری تحمل آن منتظر نداشته باشیم. ثانیاً در راه رسیدن به این هدف روش‌های انطباق و روزآمدی اتخاذ کنیم.

گفتا

ترجیح عقلانیت فلسفی بر شور ایدئولوژیک

نقدی بر نظریه احبای پروژه شرعیتی

ناصر صباعی	
	
بخش اول	
۲۹ خرداد سال‌روز درگذشت زنده یاد دکتر علی شرعیتی است. سال‌های آخر دهه ۴۰ شمسی و دهه ۵۰ از زمان مرگ در سال ۱۳۵۶ اوج فعالیت‌های فکری و عقیدتی و مبارزات او است. دکتر علی شرعیتی را بدون هیچ اغراقی باید ایدئولوگ انقلاب اسلامی سال ۵۷ خواند. آنچه که در این نوشته بیش از همه منظور نظر است تاملاتی پیرامون اندیشه‌های مرحوم شرعیتی و تاثیر آن بر افرا و گروه‌هایی است که حتی امروز پس از گذشت نزدیک به سه دهه از درگذشت او همچنان (با وجود تفاوت‌های بنیادین فضای فکری کنونی ایران و جهان) داعیه راهگشایی افکار و اندیشه‌های او در شرایط حاکم امروز را طرح می‌کنند و حتی در گردهمایی‌ها زنده کردن پروژه شرعیتی را درخواست می‌کنند. حدود سه دهه است که هر سال با فرارسیدن سالگرد درگذشت دکتر علی شرعیتی شکل‌ها و گروه‌هایی که اغلب در طیف موسوم به ملی – مذهبی عضویت و فعالیت دارند و نیز غایتی دیگر چون روشنفکران دینی و حتی نواندیشان مذهبی را بر خود می‌نهند، گردهمایی‌ها، نشست‌ها و سخنرانی‌هایی را برگزار می‌کنند و در این مراسم و سخنرانی‌ها تکیه و تاکید بر آثار و اندیشه‌های آن مرحوم بوده و به بیان دیگر همه تلاش‌ها معطوف به این هدف است که امروز هم می‌توان و باید تفکرات شرعیتی را نصب‌العین قرار داد تا همچون سال‌های مبارزه و انقلاب بر مشکلات و معضلات فائق آمد. به راستی آیا پرسش اساسی این است – اسلامی و از منظری ایدئولوژیک به تحلیل شرایط آن دوران می‌پردازد، به حل مسائل مبتلابه جامعه و انسان ایرانی آغاز هزاره سوم میلادی نائل شد؟طرفه‌ای‌آنچه چنانچه دکتر علی شرعیتی در همان زمان قادر به شکستن پوسته نگاه مذهبی و ایدئولوژیک خود می‌بود و نیم‌نگاهی هم به دستاوردهای فکری – فلسفی همان جامعه غرب آن روز می‌انداخت شاید بسیاری از نظرات و تفکرات خود را از درون نقد می‌کرد و راهی به دیگر سو می‌گشود. سخن نگارنده این نیست که باید شرعیتی را بر طبق نسیان گذاشت بلکه بر عکس شایسته است که او و زمانه و زندگی‌اش را دوباره و همواره جست‌وجو کرد و کارود آن‌آنجه باید نقد و نظر آتی است که امروز هم می‌تواند این آثار فکر و ایده‌های شرعیتی را همچون سال‌های دهه ۴۰ و ۵۰ به عنوان چارچوب و سرشنق ارائه کرد و حتی در مورد آینده براساس اندیشه‌های او گمانه‌زنی کرد. خوب است مدعیان احیای پروژه شرعیتی به تفاوت‌های عمیق و ساختاری دوران شرعیتی یعنی ایران دهه ۴۰ و ۵۰ شنسی با ایران دهه ۸۰ بیندیشند و به بیان دیگر پاسخ دهند که آیا کمترین وجه مشترکی میان جوانان آن دوران که زمانه استیلای ایدئولوژی بود با جوانان امروز و آمال و آرزوهای آن آدم‌ها با آدم‌های امروز می‌توان نشان داد؟اگر بنظریم که شرایط حال حاضر جامعه ایران تشنه تحفه فکری و فرهنگی است و دموکراتیک براساس معیارهای انسانی و پذیرفته شده عقل جمعی انسان‌ها و اصول فلسفه سیاسی ناظر بر سیاست به دانش و نش سیاست به مثابه ایدئولوژی و حاکمیت مذهب باشد، چگونه می‌توان از اندیشه‌ها و تفکرات مرحوم شرعیتی در تحقق آن بهره گرفت؟نگازنده به واقع معتقد است که دکتر شرعیتی حتی تعریف درستی هم از دموکراسی نداشته و آنجایی که از دموکراسی و آزادی سیاسی مثلا در کتاب «خودسازی انقلابی» سخن می‌گوید هم نگاهی از نوعی ایدئولوژی سوسیالیستی به این مقولات داشته و حتی چنین به نظر می‌رسد که این نگاه را نیز وامدار کسانی چون ژان‌پل سارتر و فرانتس فانون یا کاسترو و چه گوارا باشد. البته اگر قصد دوستان ارائه مدل و نمونه از یک انسان مسلمان از دکتر شرعیتی به مردم و جوانان ایران است که ما را با ایشان گفت‌ها و تفکراتی نیست. افکار و اندیشه‌های کسی چون دکتر علی شرعیتی امروزه نه در حوزه معرفتی و نه در حوزه شناخت منطقی موقعیت امروز انسان ایرانی توان و امکان کمترین راهگشایی را نداشته و بهتر و شایسته‌تر آن است که اندیشه‌ها و افکارهای مختلف پروژه‌های جدید که با ایشان آغاز شده و شکل‌هایی که به خود نام و عنوانی متفاوتی نمای روشنفکر دینی و ملی – مذهبی نهاده‌اند از نظر ایدئولوژی تاملات و اندیشه‌های نگارنده را در این زمینه و با توجه به این دیدگاه‌ها، دکتر علی شرعیتی با وقوف انقلاب تأثیرات و مبارزاتش سهم شایسته‌ای در وقوع انقلاب اسلامی دارد و بایسته است که همواره از او و رنج‌هایش یاد شود و اما آنچه بیش از همه لازم و درخور است اینکه آن نظرات آن مرحوم مورد نقد واقع هم قرار گیرد. متأسفانه تا امروز احیاناً این مهم فراهم نبوده و این به نظر نگارنده به دلیل حضور عنصر مذهب در تمامی نظریه‌پردازهای‌های ایشان و مآلاً عدم امکان نقد دین در شرایط فعلی جامعه و حاکمیت و بنابراین وضعیتی شکل می‌گیرد که معمولاً آنچه به نام نقد نظرات شرعیتی در یادبودهای تا امروز احیاناً درج می‌شود سطحی و سیه همدلانه داشته و به بیان دیگر فاقد استانداردهای نقد به مفهوم منطقی – فلسفی است. به عنوان مثال آنچه که در نوشته‌های ایشان تحت عنوان بازگشت به خویشین مطرح می‌شود و خویشینی که این مرحوم به عنوان خویشین انسان ایرانی آن را آنکشتن تک‌اید می‌گذارد امروزه حتی از موضوعیت برخوردار نیست و حال آنکه یک متفکر سکولار ایرانی بخواده آرد و اندیشه‌های دکتر را در این زمینه و با زمینه‌های دیگر مورد نقادی قرار دهد آیا امکان و اجازه طرح و نشر نظرات خود را می‌یابد؟را به سیر همین چاپ و نابودرسانه‌های نگارنده. همدلانه زیاده‌اگر نشیر به سالگرد درگذشت دکتر شرعیتی و به عنوان مثال روزنامه شرق نظری بینکیمن آنچه توجه ما را به خود جلب می‌کند اولاً کم‌شدن تعداد مقالات و تأنیا کم محتوایی همین مقالات اندک‌شمار است تا جایی که یادنامه همین فقط سه نوشته را شامل می‌شود. نتیجه‌ای که می‌توان از این موضوع گرفت اینکه خودآگاه یا ناخودآگاه دیگر برای متفکران و محافل فکری جامعه حال حاضر ایران افکار و نظرات و نوشته‌های بنیادگرایی دکتر علی شرعیتی چندان جای طرح و بحث ندارد و به بیان دیگر میراث مرحوم شرعیتی با وقوف انقلاب اسلامی به انتها و پایان راه رسیده است.	